

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه بحث گذشته

بحث در دیدگاه مرحوم حکیم است که عمده فرمایش ایشان در چند مطلب خلاصه می‌شود:

1. ایشان می‌فرماید: ما از ادله وارد شده در حج استفاده می‌کنیم که حدوث استطاعت شرط برای وجوب است اما بقاء الاستطاعة شرطیت در وجوب حج ندارد.

2. همچنین فرمودند: دو مبنا در اینجا مطرح است:

الف) یک مبنا این که بگوئیم از ادله حج استفاده می‌شود که فعلیت زاد و راحله، صحّت بدن و تخلیة السّرْب همگی شرط است؛ یعنی اگر همه اینها بالفعل موجود شد، استطاعت محقق است و می‌فرماید: این که ما می‌گوئیم حدوث استطاعت شرط برای وجوب حج است اما بقاءش شرطیت ندارد روی این مبناست.

ب) مبنای دوم این است که بگوئیم فقط فعلیت در زاد و راحله شرط برای استطاعت است، اما فعلیت امور دیگر شرط نیست.

ارزیابی دیدگاه مرحوم حکیم

مرحوم حکیم (بر اساس آنچه در مستمسک آمده) می‌فرماید: حدوث استطاعت شرط برای وجوب حج است اما بقاءش شرطیت ندارد و قول کسانی که می‌گویند استطاعت هم حدوثش و هم بقاءش در وجوب حج دخالت دارد را رد کردند و بعد به این دو مبنا اشاره کرده و فرمودند آنچه که می‌گوئیم روی این مبناست، «هذا كله بناءً على ما يظهر من الأدلة»؛ بنا بر آنچه از ادله استفاده می‌شود که فعلیت اختصاص به زاد و راحله نداشته و فعلیت در صحت البدن و تخلیة السّرْب نیز شرط است و اینها باید بالفعل باشد تا وجوب حج بیاید.

اشکالی که به ذهن می‌آید آن است که چه ارتباطی بین این دو وجود دارد؟ شما می‌خواهید بحث کنید که آیا استطاعت همان طوری که در وجوب حج حدوثاً شرطیت دارد در وجوب حج بقاءً هم شرطیت دارد یا نه؟ در این مطلب شما اگر آمدید گفتید فعلیت در همه اینها معتبر است یا فعلیت در بعضی‌هایش معتبر است، چه ارتباطی به این بحث دارد؟! شما باید همان مطلبی که از آیه استفاده فرمودید (که البته آن هم باید بحث بشود) که «من استطاع» یعنی حدوث استطاعت؛ یعنی استطاعت شرط است برای حدوث در وجوب حج و در بقاء شرطیت ندارد. لذا اگر کسی آناماً مستطیع شد این حج بر او واجب می‌شود، اما این که بگوئیم آیا فعلیت صحت بدن یا تخلیة السّرْب مانند زاد و راحله هست یا نیست چه ارتباطی به این دارد؟

به بیان دیگر، ایشان ابتدا فرمودند: از آیه شریفه «من استطاع» استفاده می‌شود که استطاعت حدوثاً شرط است، بعد فرمودند طبق این مبنا این تمکن از مسیر که سید(قدس سره) فرموده درست است و روی این مبنا قول کسانی که می‌گویند: خروج رفته و قول اشهر حجّ (نظر مرحوم نائینی) باطل است. بعد می‌گویند: تمام این مطالبی که گفتیم روی این مبناست که ما صحّة البدن و تخلیة السّرْب را هم مثل زاد و راحله فعلیتش را شرط بدانیم. آیا تمکن از مسیر تماماً در این خلاصه می‌شود؟ یک وقتی تمکن از مسیر تماماً در همین خلاصه می‌شد که می‌گفت سالم باشد، راه هم باز باشد، این می‌شود تمکن از مسیر. بعد بگوئیم اگر این بالفعل باشد مستطیع است؛ یعنی «اذا تمکن من المسیر» این شخص مستطیع است و نمی‌تواند در آن پول تصرف کند، اگر این بالفعل نباشد مستطیع نیست، اما آیا مثل تهیئة الاسباب نیز در تمکن از مسیر دخالت دارد؟

بنابراین به مرحوم حکیم عرض می‌کنیم شما می‌خواهید قول مرحوم سید را اثبات کنید، سید(قدس سره) می‌گوید: کسی که پولی برای حج دارد، زاد و راحله دارد، «يجوز له قبل أن يتمکن من المسیر أن يتصرف فيه»؛ قبل از تمکن از مسیر می‌تواند تصرف کند، این کلامی که شما می‌گویید (که ما صحّة البدن و تخلیة السّرْب را بالفعل دخالت بدانیم مثل زاد و راحله)، ارتباطش با این فرمایش مرحوم سید چیست؟ اگر دخیل بدانید پس تا اینجا بالفعل نباشد استطاعتی نیست، پس چرا می‌گوئید مُخْرَج از استطاعت و اگر دخیل ندانید این پول را دارد چه تمکن از مسیر باشد و چه نباشد این الآن مستطیع است. لذا وجه این مطلب که ما فرق بگذاریم بین زاد و راحله و بین مسئله صحّة البدن و تخلیة السّرْب، برای ما روشن نشد.

دیدگاه علامه حلی(قدس سره)

علامه حلی(قدس سره) در منتهی می‌گوید: «لو كان له مالٌ فباعه قبل وقت الحجّ مؤجلاً إلى بعد فواته»؛ اگر کسی یک مالی داشت و این را به نسیه فروخت و گفت پولش را بعد از ایام حج به من بده، «سقط الحجّ لأنه غير مستطیع»؛ یعنی موضوع مسئله این است که کسی استطاعت مالی دارد (خواه سایر استطاعت‌ها را داشته باشد یا نه، خواه ما فعلیت در صحّة البدن، آنها را بالفعل دخیل بدانیم یا بالفعل دخیل ندانیم) می‌خواهیم ببینیم آیا این استطاعت مالی‌اش را می‌تواند از بین ببرد یا نه؟

بعد علامه می‌گوید: «و هذه حيلة يتصور ثبوتها في اسقاط فرض الحجّ على الموسر»؛ اصلاً این یک حيله شرعی است هر آدمی پول‌داری بخواهد خودش را از وجوب حج ساقط کند، قبل اشهر الحجّ هر مالی دارد ببخشد به یک کسی و بگوید به شرط این که تو چهار ماه بعد این را به من بدهی، یا نسیه به دیگری بفروشد که به عقد لازم هم باشد یا تمام اموالش را به زنش می‌فروشد و می‌گوید تو یک ماه بعد از حج به من بده. بنابراین ظاهر کلام علامه این است که اشکالی ندارد کسی از این حيله شرعی استفاده کند.^[1]

حال سؤال این است کسی که از همه جهات مستطیع شده، آیا می‌تواند استطاعت خود را از بین ببرد؟ مرحوم خوبی می‌گوید: وقتی همه جهات استطاعت باشد جایز نیست، ولی به نظر ما با توجه به عبارتی که قدما دارند نزاع این نیست، بلکه نزاع این است کسی که استطاعت مالی دارد تا چه زمانی می‌تواند خودش را از این استطاعت مالی خارج کند؟ جماعتی از فقها که مشهور هم همین است گفتند تا قبل خروج الرفقه، حال ممکن است خروج رفته در ماه ذی القعدة باشد، اما قبل خروج الرفقه می‌تواند خودش را (با این که سالم است و بقیه شرایط را دارد)، از استطاعت مالی خارج کند.

مرحوم علامه در تذکره می‌فرماید: «لو كان له مالٌ فباعه نسيئةً عند قرب وقت الخروج إلى اجل متأخرٍ عنه سقط الفور في تلك السنة عنه لأن المال إنما يعتبر وقت خروج الناس»^[2]، این عبارتهای علامه(قدس سره) مؤید آن نظریه‌ای است که مرحوم نائینی اختیار کرده است.

شهید اول(قدس سره) در دروس می‌فرماید: «لاينفع الفرار بهبة المال أو اتلافه أو بيعه مؤجلاً»^[3]، همه بحث‌ها روی این است که

می‌خواهد خودش را از استطاعت مالی که به دست آورده خارج کند. فرقی نمی‌کند که بگوئیم فعلیت صحتا بدن و تخلیه السرب را در استطاعت دخالت دارد یا بگوئیم آن که فعلیتش در استطاعت دخالت دارد فقط زاد و راحله است که خود این هم باید بحث بشود که مرحوم حکیم می‌فرماید: در اینجا دو مبنا وجود دارد: (1) یک مبنا در استطاعت آن است که فعلیت زاد و راحله، فعلیت صحتا بدن و فعلیت تخلیه السرب دخالت دارد، (2) یک مبنا این است که در استطاعت فقط آن استطاعت مالی ملاک است و فعلیت صحتا بدن یا تخلیه السرب ملاک نیست.

تبیین دیدگاه سید یزدی (قدس سره)

حال باید دید که آیا سید (قدس سره) با توجه به این مطلب این تمکن از مسیر را مطرح می‌کند؟ به نظر ما سید (قدس سره) این را نمی‌خواهد بگوید که وقتی استطاعت مالی پیدا کرد، «فإن تمکن من المسیر»؛ یعنی «إن كان صحتا البدن و تخلیه السرب بالفعل موجودةً یا موجودتین» (هر چند مرحوم والد ما چه بسا چنین نکته‌ای را می‌خواهند از عبارت مرحوم سید یا عبارت امام (قدس سره) در تحریر استفاده کنند). مرحوم سید مسئله تمکن از مسیر را مطرح کرده و می‌گوید: هر زمانی که تمکن از مسیر پیدا کرد نمی‌تواند خودش را از استطاعت خارج کند.

به بیان دیگر، یک بحث این است که اگر کسی پول داشت و این پول را خرج نکرد و به شهر حج رسید و دید راه بسته است، اینجا واجب الحج نیست، یا دید مریض شد واجب الحج نیست، و یک بحث این است که الان پول دارد، شهر حج هم رسیده یا قبل اشهر الحج سالم است راه هم باز است، چه زمانی می‌تواند در این پولش تصرف کند و راه دیگری مصرف کند و اساساً آیا این کار جایز است یا خیر؟

یعنی این که بگوئیم آیا فعلیت صحتا بدن و فعلیت تخلیه السرب مثل زاد و راحله در استطاعت دخالت دارد یا نه؟ در آن بحث نیست و به همان بحث اول این برمی‌گردد؛ چرا که در اینجا دو بحث است: یکی این که بگوئیم کسی تمام انواع استطاعت را دارد آیا می‌تواند در آن مال تصرف کند یا نه؟ آیا فقها این بحث را می‌خواهند مطرح کنند؟ یا این که بحث در این است که کسی فقط استطاعت مالی دارد و لو استطاعت بدنی و استطاعت سربی ندارد تا چه زمانی می‌تواند در این مال تصرف کند که به نظر من ظاهر عبارت قدما بحث دوم است نه اول.

ارزیابی دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

این قسمت عبارت مرحوم امام این شد که کسی استطاعت مالی دارد و آن دو استطاعت دیگر را ندارد، می‌تواند استطاعت مالی را از بین ببرد: «و إن كان عدم تمکن من المسیر لأجل عدم تهیئة الاسباب»؛ اگر عدم تمکن از مسیر به این خاطر است که هنوز اسباب تهیه نکرده، نرفته ثبت نام کند، سالم هست، راه هم باز است و باید بروی ثبت نام کند و مقدماتش را فراهم کند، «أو فقدان الرفقه فلا یجوز».

بنابراین مرحوم امام همان راهی را طی کردند که مرحوم حکیم رفتند و موضوع مسئله را این گرفتند که اگر کسی استطاعت مالی دارد، اینجا بگوئیم اگر استطاعت بدنی و راهی ندارد جایز نیست در آن مال تصرف کند و حال آن که نزاع این نیست، نزاع این است که اگر کسی استطاعت مالی دارد اعم از این که استطاعت بدنی و سربی داشته باشد یا نداشته باشد، در هر دو فرضش نزاع است؛ یعنی پول دارد، خواه آنها را داشته باشد یا نداشته باشد آیا در اینجا تصرف در این مال جایز است یا خیر؟ به عبارت دیگر این آقایان فرض را اینجا می‌گیرند که اگر کسی همه انواع استطاعت برایش حاصل شد در آن مال نمی‌تواند تصرف کند و اگر بعضی از انواع استطاعت حاصل شد تصرف جایز است.

لیکن نزاعی کہ ما از عبارات فقہا بہ دست می‌آوریم این است کہ اگر کسی پول حج دارد آیا می‌تواند این پول را از بین ببرد یا نہ، اعم از این کہ آن استطاعت‌های دیگر را داشته باشد یا نداشته باشد، اعم از اینکہ قبل وقت الحج باشد یا بعد وقت الحج باشد، مرحوم نائینی حرفش این است کہ اگر کسی این پول را دارد، استطاعت‌های دیگر را ہم دارد قبل وقت الحج می‌تواند از بین ببرد، کسانی ہم کہ می‌گویند خروج رفقہ، می‌گویند اگر کسی پول دارد، استطاعت‌های دیگر را دارد و وقت حج ہم رسید ولی هنوز رفقہ حرکت نکرده تا قبل از خروج رفقہ می‌تواند این پول را از بین ببرد و تصرف کند.

اما بحث این است کہ اگر کسی پول حج را دارد اعم از اینکہ الآن صحت البدن داشته باشد یا نہ؟ هنوز اشہر حج نرسیده کہ ما صحت البدن و تخلیة السَّرب را مطرح کنیم این پول را تا چه زمانی می‌تواند تصرف کند؟ ہمہ بحث همین است. ما نباید این بحث را گره بزنینم بہ مسئلہ صحت البدن و تخلیة السَّرب، بگوئیم اگر صحت البدن و تخلیة السَّرب هست جایز نیست و اگر نیست جایز است، بلکہ بحث در اعم از اینہاست؛ یعنی این چه باشد و چه نباشد چه ملاکی برای جواز تصرف و عدم جواز تصرف نباید فرض وجود و نبود آن را مطرح کنیم.

بر اساس این بیان بہ مرحوم سید می‌گوئیم چرا عنوان را عوض کردید؟! می‌گفتید اگر کسی پول دارد، اگر استطاعت بدنی و طریقی ہم دارد نمی‌تواند پولش را از بین ببرد و اگر ندارد می‌تواند پولش را از بین ببرد. بہ نظر ما محل نزاع این نیست کہ بگوئیم کسی کہ پول دارد، اصلاً روی این بیان مرحوم حکیم نباید سید(قدس سرہ) بگوید: «إن لم يتمكن من المسير أو تمكن من المسير». پس معلوم می‌شود مرحوم سید از این تمکن و عدم تمکن یک چیزی غیر از مسئلہ صحت البدن و تخلیة السَّرب را ارادہ کرده است؛ زیرا اگر مراد سید(قدس سرہ) آن بود راحت می‌فرمود: اگر کسی پول حج را دارد، اگر بدنی و طریقی ہم مستطیع است حق ندارد پول حج را از بین ببرد، بدنی و طریقی مستطیع نیست می‌تواند پول حج را از بین ببرد.

این اختلافی ہم نیست ممکن است ہمہ این را قائل شوند ولی آن کہ محل نزاع است این است کہ با قطع نظر از صحت بدن و تخلیة السَّرب، کسی هنوز پنج شش ماہ بہ حج ماہ پول پیدا کرده تا چه زمانی این پول را باید برای حج نگہ دارد، الآن بگوئیم اگر صحت بدن دارد و تخلیة السَّرب، این محل بحث نیست، می‌خواہیم ببینیم این پول را تا چه زمانی نگہ دارد؟ شما روی عبارت مرحوم حکیم دقت کنید، عبارت سید، عبارت خوئی و عبارت مرحوم والد ما را ببینید تا جلسہ آیندہ توضیح دہیم.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

[1] □ «الرابع: لو كان له مال فباعه قبل وقت الحجّ مؤجلاً إلى بعد فواته، سقط الحجّ؛ لأنّه غير مستطیع، و هذه حيلة يتصور ثبوتها في إسقاط فرض الحجّ على الموسر. وكذا لو كان له مال فوهبه قبل الوقت، أو أنفق، فلما جاء وقت الخروج كان فقيراً، لم يجب عليه، و جرى مجرى من أتلف ماله قبل حلول الحول.» منتهی المطلب في تحقیق المذهب؛ ج10، ص: 81.

[2] □ تذكرة الفقهاء (ط - الحديثة)، ج7، ص: 60-59.

[3] □ الدروس الشرعية في فقه الإمامية، ج1، ص: 312.